

شصت و هشتمین سالروز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

روژ ۷ نوامبر شصت و هشتمین سالروز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است. در این روز، مردم شوروی و همه زحمتکشان و کمونیست های جهان این پیروزی بزرگ تاریخی را جشن می گیرند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نه تنها بزرگترین رویداد اجتماعی در تاریخ خلقهای شوروی بلکه بزرگترین حادثه تاریخی در سراسر تاریخ بشریت است. با پیروزی انقلاب اکتبر تحت لوای جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و در پرتو پیکار متحد کارگران و دهقانان روسیه، سیمای جهان بکلی دگرگون شد و برای نخستین بار نظامی در گیتی پدید آمد که شالوده آن بر نفی استثمار فرد از فرد، بقیه در ص ۲

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفقای عزیز

شصت و هشتمین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به شما و بوسیله شما به تمام زحمتکشان کشور دوست و برادر اتحاد شوروی تبریک می گوئیم و برای حزب شما و دولت سوسیالیستی شما در مبارزه بخاطر حفظ و تحکیم صلح جهانی و ادامه حرکت به سوی مقصد بزرگ کمونیسم کامیابی کامل آرزو می کنیم. دنیائی که ما در آن زندگی می کنیم، مرحله بسیار حساسی از تاریخ دراز و بغرنج خود را می گذراند. خطر یک جنگ نابود کننده هسته ای جهان ما را تهدید بقیه در ص ۲



دوره هشتم سال دوم شماره ۷۵

پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۴۴

بها ۲۰ ریال

سالگرد تیرباران سومین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران یاد رفیق رضی الدین تابان را گرامی میداریم

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اطلاعیه خود به تاریخ مهرماه ۱۳۴۴ زیر عنوان "قذافی قهرمان، رفیق رضی الدین تابان تیرباران شد" خبر از اعدام گروه تازه ای از فعالین جنبش انقلابی مردم ایران و از جمله رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان خلق ایران (اکثریت) بقیه در ص ۲

مقدم آبانماه ۱۳۳۲، گروه سوم افسران سازمان نظامی حزب توده ایران به جوخه اعدام سپرده شدند و اینک ۲۱ سال از آن سپیده دم خونین می گذرد. دیگر بار یاد افسران قهرمان توده ای، رفقا: سرکرد جعفر و کیلی، سرهنگ دوم کاظم جمشیدی، سرهنگ محمد جلالی، ستوان یکم محمداقرواله و سرهنگ دوم افشار بکشلو را بقیه در ص ۲

عواقب یورش به حزب توده ایران آشکارتر میشود

قدرت اقتصادی به دست غارتگران اجتماعی را فراهم می کند و از سوی دیگر نشان دهنده مبارزه بی گیر و همیشگی حزب ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای مترقی کشور در دفاع از صفوف محرومان جامعه است. "اطلاعات" می نویسد:

"انقلاب ما از این حیث شاهد جریانات و رویدادهای عجیب و جالبی بوده است. زمانی در همین کشور، "بندج" در قانون اصلاحات ارضی (مصرفه شورای انقلاب) و قانون صنایع تصویب شده و به اجرا گذاشته می شود هزار و یک دلیل شرعی و فقهی هم همراه دارد و فقها از آن سخن می گویند، اما زمانی دیگر کار به جایی می رسد که هر که از این "بند" های قاچاق حرف می زند "توده ای" خوانده می شود."

بقیه در ص ۶

وزیر کار از کدام "آرامش" سخن می گوید؟

کنترل پلیسی جامعه و سرکوب هرگونه آزادی و حقوق دمکراتیک، وزیر کار و دیگر مقامات حکومت می توانند واقعیت ها را وارونه جلوه دهند، کارهای ناکرده را به حساب خود بنویسند و خواستها و مبارزه توده ها را نادیده بگیرند. سران رژیم تئوکراتیک ج.ا. هنوز فراموش بقیه در ص ۴

وزیر کار و امور اجتماعی رژیم، بمناسبت "هفته دولت" درباره مسائل کارگری کشور و اقدامات وزارت کار اظهار نظر کرد. سخنان وزیر کار نمونه بارز تحریف واقعیات، دروغگوئی و کتمان حقایق در داور زندگی زحمتکشان است. تنها در سایه استبداد مذهبی،

کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده ای

در ص ۵

ریشه بحران در کجاست؟

اخیرا، مرتضی نماینده مجلس طی سخنرانی قبل از دستور به مسئله بازگشت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان فری اشاره کرد و گفت: "۴۰۰ درمیان مردم هم به صورت سلوال مطرح است که هر مسئولی اعم از مسؤلان قضائی و اجرائی و هر نماینده ای اعم از راست گرا و خط وسطائی از وضعیت کنونی کله مند و گامی سخت ناراحتند، پس ریشه این مسئله در کجاست؟ و چه کسی منشاء این نقصانهاست و گریبان چه کسی را باید گرفت؟"

سلوال جالبی است. رضوی می گوید تا به این سلوال پاسخ دهد. او می گوید: "منشاء این کمبودها و در هم و پرم هم و لوث شدن مسؤلیت ها نه در قوه قضائیه و نه در قوه مجریه و نه در مجلس، بلکه در سطح همه مدعیان اسلام شناسی و تلورسینی و بالاخره آنان که می خواهند به عنوان ارائه دهنده نظام اسلامی در این جامعه مطرح شوند (است). و حتی دو اندیشه و دو نوع تلوری و به اصطلاح دو تا اسلام مطرح می شود و دو برداشت کاملا متفاوت و در بعضی (موارد) متضاد فقهی از اسلام مطرح می گردد. دولت و قوه قضائیه و مجلس دو گونه اندیشه می شود و دو بام و دو هوای گردد... مادامی که تکلیف تلوری و ایدئولوژی را مشخص نکنند نه مجلس و نه دولت و نه قوه قضائیه هیچ کدام موفق نخواهند شد" ("جمهوری اسلامی"، ۲۷ مهر ۶۴).

این اعتراف از آن لحاظ اهمیت دارد که به طرز بارزی ورشکست رژیم جمهوری اسلامی را ترسیم می کند. رضوی بپیوده می گوید تا قوای سه گانه را با استناد به عدم تعیین تکلیف "تلوری و ایدئولوژی" تبرئه کند. در واقع عملکرد قوای سه گانه تابع عملکرد کل رژیم است. بازسازی نظام منحن سرمایه داری وابسته با پی آمدهای مخرب آن بی ستون "تلوری و ایدئولوژی" رژیم حاکم را تشکیل می دهد که "ولایت فقیه" نماینده آن است. بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

ریشه بحران در کجاست؟

بقیه از ص ۱

آنچه موجب گردیده که سروکله سرمایه داران و زمین داران بزرگ فراری دوباره پیدا شود "تئوری و ایدئولوژی" ضد خلقی سران ج.ا. است. چه کسی اندیشه "تمام شدن قدرت انقلاب" را به ذهن کلان سرمایه داران از فرنگ بازگشته خطور داده و به آنان قوت قلب بخشیده است؟ به پیام دی ماه ۱۳۶۱ خمینی مراجعه می کنیم، وی در آن ایام گفت: "دیگر نباید بگوئیم حال انقلاب است، نه دیگر آرامش است... حال این است که مردم (بخوان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان) مطمئن باشند... و سرمایه هایشان را بکار اندازند و نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند... و دیگر هیچکس از آمدن به وطن خود نترسد... نترسد از اینکه یک وقت سرمایه هایشان را بگیرند."

سرمایه داران فراری بر اساس این دعوت صریح خمینی بود که به کشور بازگشتند. در حال حاضر

جستجوی آنند کاملاً روشن است. تا زمانی که مکانیسم رژیم "ولایت فقیه" عمل می کند، "تئوری و ایدئولوژی" در خدمت منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان خواهد بود.

به هیچ وجه تصادفی نیست که در بیانیه مشترک گفته می شود: "ما با یک رژیم تئوراتیکی، به هر دلیل و عنوان که باشد مخالفیم. ما به لزوم قوانین اجتماعی متغیر با تکامل عینی جامعه معتقدیم و به هیچ عنوان نمی توانیم حاکمیت قوانینی را بپذیریم که خارج از حیطه تاثیر زمان و مکان تدوین شود."

در عین حال ما به اختلاف موجود میان جناحهای گوناگون هیات حاکمه در زمینه های مختلف سیاست داخلی و خارجی نیز توجه داریم و از این تضادها استفاده کرده و خواهیم کرد. ولی وظیفه اساسی در این مرحله مبارزه به منظور برانداختن رژیم جمهوری اسلامی است. آن عناصری از وابستگان رژیم که صادقانه (نه به قصد عوامفریبی) با ارتجاع حاکم مخالفند و از هیات حاکمه رویگردان هستند، باید تا دیر نشده جای خود را در زمره مبارزان واقعی باز یابند.

نیوز زحمتکشان میهن ما شاهد آن هستند که این تبصره ۸۲ نخست وزیری است که اموال "بنیاد مستضعفان" را به "صاحبان" سابق شان باز پس می دهد. در ترکیب هیئت ۵ نفره که طبق تبصره ۸۲ نخست وزیری تشکیل شده، نمایندگان رئیس جمهور، مجلس، قوه قضائیه، دولت و حاکم شرع به بازگرداندن کارخانه های ملی شده به غاصبان قبلی مشغول هستند.

چند روز پیش، یعنی ۹ آبان ماه سال جاری صدای جمهوری اسلامی سخنرانی خمینی را به هنگام ملاقات با اعضاء کابینه جدید موسوی بخش کرد. خمینی بار دیگر ضرورت همکاری دولت با بازار را خاطر نشان ساخت. او مطابق معمول پیرامون سپردن کار مردم به مردم و یا صریحتر گفته باشیم، سپردن سرنوشت میلیونها ایرانی به دست مشتکی صاحبان سرمایه توصیه کرد و گفت که بدون همکاری "قشرهای مختلف" کارها پیش نخواهد رفت. خمینی خطاب به اعضاء کابینه گفت دستهای آنها را که می خواهند "به کشور کمک کنند" باز بگذارند.

بدینسان منشاء نقصانها که رضوی ها در

یاد رفیق رضی الدین تابان

بقیه از ص ۱ داده است.

رفیق رضی الدین تابان در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ یعنی تقریباً یکسال پیش از هجوم خائنانه رژیم به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دستگیر شده بوده است.

در اطلاعیه گفته می شود که رفیق رضی دومین عضو رهبری سازمان است که در یک ساله اخیر قربانی سردمداران رژیم گردیده است. سال گذشته رفیق قربانعلی مؤذنی پور به دست جلاان رژیم شهید شد.

رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز از دوسال پیش زیر شکنجه های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در زندان بسر می برد.

اعدام مخفیانه رفیق رضی الدین تابان، اعضا و هواداران حزب توده ایران را سخت متغیر و خشمگین کرده است. این کشتارهای خودسرانه بی سرو صدا که بدون انقطاع به دست پاسداران رژیم جهل و دروغ و جنایت صورت می گیرد، بار دیگر به همه مردم شرافتمند جهان ثابت می کند که در نظام جمهوری اسلامی از موازین انسانی و اخلاقی و همچنین از قانون و حقوق بشر و محاکمه متهمین بمعنی واقعی خبری و اثری نیست. یک مشت جانی نادان و دیوانه و انسان های مسخ شده، کستاخانه هرجنایت زشتی را که عملاً به سود

سالگرد تیرباران سومین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران

بقیه از ص ۱

گرامی می داریم. به یاد می آوریم پیام رفیق شهید جعفر وکیلی را که در شانزدهم آبان همان سال، یعنی یک روز قبل از تیرباران، از جانب همه افسرانی که در انتظار شهادت بودند، خطاب به حزب توده ایران نوشت:

"این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است. نخست درود آتشین ما را بپذیرید، دیگر آن که بدانید تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم."

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد!

بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است انجام می دهند.

رفیق رضی الدین تابان یکی دیگر از هزاران قربانی توده ای، فدائشی، دموکرات، مجاهد و غیره است که تا دیروز به دست ساواک شاه شکنجه می شدند و به قتل می رسیدند و امروزه به دست ساواک ولایت فقیه، بدون تردید تا بساط جمهوری اسلامی پهن باشد این کشت و کشتارها ادامه خواهد یافت. باید همه نیروهای مرفقی و میهن پرست ایرانی دست به دست هم بدهند و این بساط جهل و خرافه و جنایت را که جانشین خلف نظام شاهنشاهی است برچینند.

بگذار مبارزه و جانفشانی رفیق رضی، راه دشوار و پریبیخ و خم پیکار راهی بخش را برای همه مبارزان انقلابی خلق تابان کند!

به کمیته مرکزی حزب کمونیست

بقیه از ص ۱

می کند. امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا درصد کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی است. در سراسر جهان توطئه های امپریالیستی بر ضد صلح، حاکمیت ملی و استقلال خلقها و بر ضد دموکراسی و ترقی اجتماعی شدت گرفته است. در این مرحله بسیار حساس تاریخ بشری، حزب کمونیست اتحاد شوروی به عنوان پرچمدار صلح، آزادی و ترقی وظیفه خود را با صداقت کامل انجام می دهد. امروز دفاع از اتحاد شوروی مساوی است با دفاع از صلح و کوشش برای جلوگیری از انهدام جهان و تمدن بشری.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نام خلق زحمتکش ایران این سالروز بزرگ را به شما شادباش می گوید و اطمینان می دهد، علیرغم همه رنجهایی که حزب ما در دوران زندگی و فعالیت خود بر اثر توطئه ارتجاع داخلی و خارجی تحمل کرده است، همچنان به میثاق دوستی استوار و قدیم خود با حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین کبیر، وفادار است و به مبارزه وقفه ناپذیر خود بر پایه آموزش مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ادامه می دهد. ما به خوبی می دانیم، راهی را که در پیش رو داریم دراز و دشوار است، ولی در عین حال می دانیم که برای دستیابی به هدفهای ارجمندی که حزب ما در پیش رو دارد، راهی جز این وجود ندارد.

با سلامهای گرم کمیته مرکزی حزب توده ایران اکتبر ۱۳۵۸

درود بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

شصت و هشتمین سالروز . . .

بقیه از ص ۱

مالکیت اجتماعی، آزادی و برابری و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی استوار بود. با این رویداد عظیم تاریخی به سلطه بلامنازع نظام سرمایه‌داری در جهان نقطه پایان گذاشته شد و دوران تاریخی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم آغاز گشت.

تأثیر پیروزی انقلاب اکتبر از مرزهای کشور شوراها فراتر رفت. زحمتکشان و نیروهای مترقی در بسیاری از کشورهای جهان با الهام از آرمانهای این انقلاب، درفش نبرد با استثمارگران و استعمارگران را پیش از پیش به اهتزاز درآوردند. خلقهایی که یوغ استعمار پرگردن آنها آویزان بود اینک در وجود کشور نوپنیا سوسیالیستی شوروی تکیه گاه نیرومند و مطمئنی در پیکار عادلانه اشان در راه رهایی ملی یافته بودند. در نتیجه، شرایط مساعد تاریخی ناشی از پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی و حمایت آن از مبارزه خلقهای سراسر جهان بود که پس از انقلاب اکتبر، جنبش رهایی بخش ملی وارد مرحله نوینی شد و پایه‌های استعمار زیرتازیانه‌های خشم و نبرد خلقهای بیباکسته کشورهای درپند به لرزه درآمد.

پیشرفت عظیم و سریع اقتصادی و اجتماعی، نفی استثمار و رفاه و بهره‌وری عمومی، رفع ستم ملی و آزادی و برابری و بطور کلی دستاوردهای عظیم مادی و معنوی در کشور شوراها که تحت رهبری دایمانه حزب کمونیست اتحاد شوروی و با الهام از اندیشه‌های دوران سازمارکس، انگلس و لنین صورت گرفت از یکسو موجب افزایش جاذبه آرمانهای سوسیالیسم در میان زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و خلقهای تحت ستم گردید و از سوی دیگر هراس و کینه طبقاتی امپریالیست-ها علیه نخستین کشور سوسیالیستی جهان را برانگیخت.

انقلاب اکتبر از همان نخستین روز پیروزی خود با انواع دسیسه‌ها و توطئه‌های کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی جهان مواجه شد که مهمترین آنها جنگ جهانی دوم بود که از سوی فاشیسم هیتلری برای درهم شکستن پایه‌های سوسیالیسم در اتحاد شوروی براه انداخته شد. برخلاف تصور فاشیستها، سوسیالیسم نه تنها در آتش این جنگ اهریمنی نسوخت بلکه به دلیل حقانیت تاریخی و پناهنه سرنوشت مردمی و مترقی خود و در نتیجه ایثار و پیکار خلقهای شوروی، از جنگ پیروز و سربلند بیرون آمد. بر ویرانه‌های فاشیسم هیتلری اردوگاه سوسیالیسم پدیدار شد و بدین ترتیب چرخش تاریخی - جهانی مهم دیگری به نفع خلقها و علیه ارتجاع جهانی صورت گرفت.

امروز نیز اتحاد شوروی بزرگترین و نیرومندترین کشور مدافع صلح، وفادارترین و مطمئن ترین تکیه گاه پیکار خلقها در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و عامل قاطع در روند جهانی انقلاب است. به همین دلیل است که این

از نفست زنده شدم .

آتش گیرنده شدم .

تاب و تسم دادی و من

عشق نمیرنده شدم .

گفتی و گفتم ز امید .

خواندی و خواندم به نوید .

نیك نوشتی به دل

نیك نگارند شدم .

از دل و جان پایه زد م .

پایه گرانمایه زد م .

سابقه در سایه زد م

طالب آینده شدم .

تا پرغم سوختی

رقص در آموختی .

بال در آورد م و باز

شعله بالنده شدم .

مرغ همایون سفرم .

پیک و پیام سحرم .

با شب و شبکاره هس

سخت ستیزنده شدم .

دود پراکنده شدم .

مولوی

با تو همه شاد شدم .

من ز تو آباد شدم .

مژده ده داد شدم .

زنده و زاینده شدم .

خیز و در آئینه ببین

ای گل خورشید جبین

دانه نشاندم به زمین

باغ برآرنده شدم .

آه از آن توشه مرا

کند ز من ریشه مرا

کند م و افروخت مرا

سوخت مرا سوخت مرا

کند شدم کند شدم

آتش افکنده شدم

در همه آفاق جهان

دود پراکنده شدم .

سیاوش کسراش

مهر - ۱۳۶۴

نیرویی قادر نخواهد بود در روابط دیرینه و محکم انترناسیونالیستی میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی - که در راستای منافع زحمتکشان ایران و مصالح میهن ما بوده و هست - کوچکترین خدشه ای وارد سازد.

حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران خجسته رو و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به همه اعضا، دوستان و هواداران حزب تبریک می گوید و همه رفقا را به تشدید پیکار در راه آرمانهای جهانشمول انقلاب اکتبر فرامی خواند.

کشور آماج کین توزانه ترین حملات و دسایس محافل امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته است. انقلاب اکتبر و مردم شوروی در نزد مردم و نیروهای مترقی ایران همواره از مقام و منزلت خاصی برخوردار بوده و هستند. زحمتکشان ایران هرگز پشتیبانی بی شائبه خلقها و دولت شوروی را از انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمین ۵۷ - چه در دوران قبل از پیروزی و چه در دوران بعد از پیروزی آن - فراموش نخواهند کرد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران با حزب کمونیست اتحاد شوروی دارای پیوندهای ریشه دار دوستی و برادری برپایه اصل نجده ناپهیرانترناسیونالیسم پرولتری است. حزب ما، انقلاب اکتبر و دستاورد بزرگ آن - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سوسیالیسم واقعا موجود - را بزرگترین پدیده تاریخی می داند و برای آن ارج و احترام ویژه ای قایل است. هیچ

مبارزه در راه صلح

یک وظیفه انقلابی است

وزیرکار از کدام "آرامش" ...

بقیه از ص ۱
نکرده اند که در شرایط وجود آزادی‌های نسبی با مبارزه متحد شوراها و سندیکاها کارگری، وزیر پیشین کاری آبرو و از وزارت برکنار شد. همچنین پیش نویس قانون کار ارتجاعی و ضدکارگری رژیم از جانب زحمتکشان به زباله‌دان افکنده شد.

وزیرکار در مورد مبارزه کارگران برای تدوین و تصویب قانون کار بر بنیاد دموکراتیک که پراستی یکی از باشکوه‌ترین عرصه‌های مبارزه طبقاتی میهن ما است، چنین می‌گوید:

"... با شروع کار ما، آرامش تا حدود زیادی در واحدهای تولیدی برقرار شد. لازم به توضیح است که بدلیل تشنجی که پیش از ما در مورد قانون کار غیرسودمند و غیر مفید بوجود آمده بود، در بسیاری از واحدهای تولیدی این امر موجب ناراحتی و اعتراض شده بود. ما با کارگران خیلی صمیمانه مسائل را مطرح کردیم و قانون کاری که تهیه کرده بودیم به بحث عمومی گذاشتیم و از تمام صاحبان نظران دعوت کردیم که برای تدوین قانون کار کمک کنند." کیهان ۶ شهریور ۶۴

وزیرکار نمی‌گوید که "آرامش" مورد نظر او که همانا "آرامش" مطلوب سرمایه‌داران است چگونه تا حدود زیادی در واحدهای تولیدی برقرار شد؟ "تشنجی" که قبل از وزارت ایشان وجود داشت بخاطر چه بود؟ مگر "قانون کار غیر سودمند و غیر مفید" همان پیش نویس نبود که برپایه باب های فقهی "اجاره" و "جعاله" تدوین شد و صدها "فقیه" و مقام دولتی در دفاع از آن گریبان چاک می‌کردند؟ زحمتکشان به کمک حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - ماهیت ارتجاعی و ضدکارگری آن پیش نویس را از پس پوشش های "شرعی" و "فقهی" بازشناختند، علیه آن به مبارزه برخاستند و با مبارزه ای آگاهانه و متحد رژیم رامجبور کردند که آن را پس بگیرد. "آرامش" مورد نظر آقای وزیر نیز با عویض مهره‌ها و یا تدوین پیش نویس جدید، برقرار نشد. واقعیات دروغگویان را رسوا می‌کنند.

همه می‌دانند که همزمان با اوج گیری مبارزه طبقاتی زحمتکشان، یورش به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) که نقش سازمان دمی و رهبری مبارزه علیه "پیش نویس قانون کار" توکل را به عهده داشتند در دستور کار رژیم قرار گرفت. در پی آن صدها سازمان مستقل صنفی کارگران قلع و قمع شد و فعالین کارگری بازداشت و روانه سیاهچال ها شدند. قضای ترور و خفقان بر محیط های کارگری حاکم شد. بجای سازمان های مستقل کارگری، نهادهای جاسوسی و سرکوب در کارخانه ها تقویت و مستقر شدند. سکوت نسبی در جنبش کارگری برای دوره ای محدود ناشی از این واقعیات بود. اوج گیری مجدد جنبش کارگری در ماه های پایان سال ۶۳ و سرتاسر سال ۶۴ خواب خوش و

"آرامش" مرتجعین و کلان سرمایه داران را آشفته کرد. وزیرکار بر این دوران پرتلاطم آگاهانه چشم می‌بندد و از "قانون کار جامع" جدید دم می‌زند و می‌گوید:

"خوشبختانه این کمکها به صورت وسیعی انجام شد. بطوریکه در تدوین قانون کار، فقهای محترم، کارشناسان و تمام اندیشمندی که در جامعه حضور دارند به ما کمک کردند. این از کام های بسیار ارزنده و مثبت دولت بود که توانست قانون کاری که جامع و دلخواه بسیاری از واحدهای ما باشد تدوین کرده و تقدیم مجلس شورای اسلامی کند" (همانجا)

در اینجا نیز وزیرکار دروغ می‌گوید. هنگامی وزارت کار متن پیش نویس جدید را منتشر کرد که فشار و تضییقات علیه سازمان های کارگری به اوج خود رسیده بود. "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراها ی کارگران ایران" از طرف حکومت "غیر قانونی" اعلام شده بود. تنها "خانه کارگر" که کنترل آن در دست دولت است، پیشنهادهایی مطرح ساخت که در طرح نهایی پیش نویس نیز مورد توجه قرار نگرفت! ما قبلاً به تفصیل در مورد ماهیت ضدکارگری لایحه قانون کار که اکنون در مجلس شورای اسلامی سخن گفته ایم و نیازی به تکرار آن نمی‌بینیم.

این لایحه نیز بدون توجه به خواستهای صنفی زحمتکشان که در رأس آنها آزادی تشکیل سازمان های صنفی مستقل کارگری قرار دارد، تدوین شده است. بی دلیل نیست که وزیر کار در اظهارات خود نامی از کارگران نمی‌برد. "فقهای محترم"، "کارشناسان" و "اندیشمندان" در مورد قانونی اظهار نظر کرده اند که تأثیر بلاواسطه بر زندگی زحمتکشان و فرزندان آنها دارد، ولی خود کارگران در تدوین چنین قانون مهمی شرکت نداشته اند! لایحه قانون کار ملغمه ای از قانون کار رژیم شاه و نخستین پیش نویس قانون کار رژیم ج.ا. است. زحمتکشان میهن ما با صراحت و صلابت به هردو قانون پاسخ منفی داده اند و مطمئناً لایحه جدید را نیز نخواهند پذیرفت.

وضع دشوار معیشت و زندگی زحمتکشان میهن ما بر کسی پوشیده نیست. وزارت کار برای بهبود زندگی میلیونها مزدور حقوق بگیر کشور ما چه اقدامی کرده است؟

"در این مدت وزارت کار با برخورد مناسب با زندگی معیشتی کارگران در شورای عالی کار تصمیماتی را اتخاذ کرد که به موجب آن تا حدودی از فشار تورم بر دوش طبقه کارگر کاسته شد و ما توانسته ایم بسیاری از نیازهایی را که در مورد معیشت یک خانواده کارگری است تأمین نمائیم بطور کلی در زمینه مسکن، درمان، رفاه کارگران و تهیه وسائل زندگی برای آنها تلاش زیادی کرده ایم" (همانجا).

از آغاز سال ۵۹ تا پایان سال ۶۳ به مدت ۵ سال، شورای عالی کار با افزایش حداقل دستمزد زحمتکشان مخالفت کرد. در این مدت قیمت کالاها و نرخ تورم به سیر صعودی خود ادامه دادند زیرا تورم، گرانی و کمیابی کالاها ی مورد نیاز

اولیه زحمتکشان نه از تصمیمات شورای عالی کار بلکه از قوانین نظام سرمایه داری و از حرص و آرزوی کلان سرمایه داران تبعیت می‌کند. افزایش حداقل دستمزد روزانه زحمتکشان از آغاز سال ۶۴ تنها در اثر جنبش اعتصابی کارگران در سالهای ۶۳ و ۶۴ ممکن شد. اما واقعیت آنست که رقم افزایش حداقل دستمزد در برابر نرخ تورم واقعی در سالهای اخیر مضحک است پس از ۵ سال تنها حدود ۱۲٪ بر حداقل دستمزد افزوده شده است. نتایج به اصطلاح "تلاش" های وزارت کار برای "بهبود" وضع مسکن و درمان کارگران را در بیفوقه های جنوب تهران و صف های طویل جلوی درمانگاهها می‌توان به وضوح دید. اگر وزیرکار به گزارش های ادواری که در مورد وضع مسکن و درمان در مطبوعات رسمی رژیم منتشر می‌شود نگاهی می‌افکند، شاید از بیان این اظهارات حیرت انگیز خودداری می‌کرد.

وزیرکار در مورد شوراها و انجمن های اسلامی نیز اظهار نظر کرده است:

"ما با تمام قدرت از انجمن ها و شوراها حمایت کرده ایم و قانون آن هم به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده است و این انجمن ها به زودی شروع به کار خواهند کرد. که این مسئله خود موفقیت فوق العاده ارزشمند و مفیدی است و در چارچوب آن به یکی از اصول اساسی و مهم قانون اساسی کشور چانه عمل پوشانده شده است." (همانجا).

شوراهائی که قانون اساسی از آن سخن می‌گفت و شوراهائی که کارگران خواهان ایجاد آن هستند با آنچه که مورد "حمایت" آقای وزیر است، از زمین تا آسمان فرق می‌کند. قانون شوراهای اسلامی کار که اخیراً از تصویب مجلس گذشت، قانونی ارتجاعی و ضدکارگری است. ما درباره ماهیت این قانون قبلاً نوشته ایم و باز هم در این مورد نظر خود را اعلام خواهیم کرد. اما برای اینکه نیت واقعی وزیرکار و رژیم "ولایت فقیه" از "حمایت" از شوراها آشکار شود، کافی است سخنان وزیرکار در سمینار مدیران واحدهای تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران را که در کیهان چهارم شهریور ۶۴ درج شده است، نقل کنیم:

"به زودی شوراهای اسلامی کار بوجود خواهد آمد. شوراها و انجمن های اسلامی به این دلیل مورد نیاز هستند که اکنون گروهکهای الحادی مترصد فرصت برای ایجاد آشوب می‌باشند و تنها شیوه ای که می‌شود توسط آن با اینها مقابله کرد، این است که نیروهای حزب الله فعالیت مؤثر داشته باشند و در این راه، کارگران و مدیران باید حضور نیروهای حزب الله را در قالب شوراها و انجمن ها جدی بگیرند."

وزیرکار از شوراهائی که بعنوان نهادهای کارگری، بمنظور مشارکت در اداره تولید و نظارت بر مدیریت ایجاد می‌شوند حمایت نمی‌کند. او خواهان ایجاد "شوراهائی" است که از عناصر "حزب الهی" بشکل یک نهاد سرکوبگر در کنار "انجمن اسلامی" فعالیت کنند و با فعالیت انقلابی اعضا، و مواداران حزب ما و بقیه در ص ۷

همبستگی با توده ایهای دربند در سری لانکا

حزب کمونیست سری لانکا کارزار وسیع همبستگی با حزب توده ایران در این کشور را رهبری می کند.

اخیرا رفیق د. ای. و. گوناسکرا، مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست سری لانکا با ارسال نامه ای ضمن برشمردن پاره ای از تلاش های حزب برادر در راه پیشبرد امر پشتیبانی از حزب توده ایران و توده ای های دربند، تاکید کرده است:

"رفقا ما به شما اطمینان می دهیم که هر آنچه در توان داریم بخاطر همبستگی با شما بکار می بندیم."

در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که بیش از ۲۵۰ تن سری لانکایی به نمایندگی از سوی سه سازمان یعنی "فدراسیون جوانان کمونیست سری لانکا"، "جبهه زنان سری لانکا" و "اتحادیه ملی دانشجویان سری لانکا" با برپایی تظاهرات اعتراض آمیز در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کولومبو، اعدام توده ای های دربند از جمله رفیق رضامحمدزاده گازرگاه را محکوم کردند و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی ایران شدند.

همبستگی زحمتکشان یونان با کارگران و زحمتکشان ایران

از ۱۸ تا ۲۰ اکتبر ۱۹۸۵ ششمین اجلاس عمومی اتحادیه کارگری یونان (افک) در شهر آتن برگزار شد. در این اجلاس، نمایندگان سازمان های سندیکایی از کشورهای مختلف و از جمله هیات نمایندگی کمیسیون ارتباطات سندیکاهای ایران بعنوان میهمان شرکت داشتند.

نماینده هیات ایرانی طی سخنان پرشوری، شرایط دشوار زندگی و مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را به اطلاع شرکت کنندگان در اجلاس عمومی رساند. او از بیکاری گسترده، از خیانت سران رژیم ج.ا. به انقلاب بهمن ۵۷، از جنگ خائنانه ایران و عراق و از خلق کشتی رژیم در کردستان ایران سخن گفت.

نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکاهای ایران، با تاکید بر ورشکستگی اقتصادی رژیم به مبارزات اعتصابی و تظاهرات سیاسی زحمتکشان ایران و به اوجگیری نبرد توده ها برای سرنگونی رژیم جبار ج.ا. اشاره کرد.

شرکت کنندگان در اجلاس عمومی با کف زدن های پرشور، همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان ایران اعلام کردند. در اجلاس عمومی آتن قطعنامه زیر بعنوان سند همبستگی زحمتکشان یونان با کارگران و زحمتکشان ایران با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید.

کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده ای



صحنه ای از تظاهرات کمونیست های سری لانکا برای اعلام همبستگی با توده ای های دربند

"قطعنامه"

ما شرکت کنندگان در ششمین اجلاس عمومی اتحادیه کارگران یونان (افک) شرایط خفقان و اختناق حاکم بر ایران را که در اثر خیانت سران ج.ا. ایران به انقلاب فوریه ۱۹۷۸ به وجود آمده است، قویا محکوم می کنیم. ما ضمن اعلام همبستگی با کارگران و زحمتکشان ایران، از همه زحمتکشان و آزادیخواهان جهان می خواهیم از خواستهای برحق زحمتکشان ایران پشتیبانی کنند.

۱- باید به جنگ ایران و عراق که بیش از ۵ سال ادامه دارد و باعث ویرانی و تلفات جانی فراوان برای هر دو طرف شده است، بی درنگ خاتمه داده شود و صلح عادلانه برقرار گردد. این جنگ فقط به سود امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه است.

دمکرات و با حق انتخاب و کیل بر گزار شود. اتحادیه کارگران یونان ۱۹ اکتبر ۱۹۸۵

برگزاری "فستیوال سالانه کار" در کانادا

چندی پیش، حزب کمونیست کانادا، با برگزاری "فستیوال سالانه کار"، پنجاهمین سالگرد انتشار "کانادین تریبون"، ارگان مرکزی خود را جشن گرفت. به حق باید گفت که این جشن به مراسم پرشور پشتیبانی از خلقها و امر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی تبدیل شد. در این فستیوال، اعضا و هواداران حزب توده ایران در کانادا شرکت فعال داشتند. توده ایها با برپا کردن نمایشگاه عکس و پخش اعلامیه ها و نشریه های گوناگون به افشای چهره رژیم پرداختند.



رفقا در جریان برگزاری فستیوال، شرکت کنندگان در فستیوال را با وضع زندانیان سیاسی در ایران و پیامدهای جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق آشنا ساختند. همچنین تعدادی از شرکت کنندگان از جمله رفیق ویلیام کاشتان، دبیر کل حزب کمونیست کانادا، با امضاء کارت های همبستگی با خلقهای ایران و حزب توده ایران خواستار پایان جنگ ایران و عراق و آزادی کلیه زندانیان سیاسی کشور شدند.

۲- جنگ در کردستان ایران، که بیش از ۶ سال علیه خلق کرد که خواهان خودمختاری در چارچوب ایران است، ادامه دارد، باید بیدرنگ قطع شود.

۳- به تعقیب و شکنجه کمونیست ها و دیگر دمکراتها و آزادیخواهان ایران که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه کرده و می کنند سریعاً پایان داده شود و محاکمات زندانیان سیاسی با شرکت حقوقدانان و پزشکان

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

عواقب یورش به حزب توده ایران

بقیه از ص ۱
اینک دیگر بر کسی پوشیده نیست که در اوج مبارزه طبقه کارگر و دهقانان برای دستیابی به حقوق واقعی خود، که حزب ما در رهبری و سازمان دمی آن نقش اساسی داشت، رژیم ضد خلقی "ولایت فقیه" در همدستی و همدستانی با ارتجاعی ترین محافل داخلی و به یاری سازمانهای جاسوسی بین المللی که از تعقیب انقلاب به شدت وحشت داشتند، توطئه یورش به حزب توده ایران را عملی ساخت. از همان هنگام بود که روند "عقب نشینی کام به کام" شدیدتر شد. قانون اصلاحات ارضی ملته شد، زمین داران بزرگ بازگشتند، دهقانان از زمین های خود رانده شدند و بسیاری از آنها به زندان افتادند، کارخانه ها به سرمایه داران فراری برگردانده شد، بخش دولتی بطور کلی تضعیف شد و بخش خصوصی به سودهای کلان بیسابقه دست یافت. بقول نویسنده اطلاعات: "به جایی رسیدیم که افراد در سخنرانی ها و نوشته های خود جرئت نمی کردند واژه مستضعف و مستضعفین را بکار ببرند."

در شرایطی که یورشهای پی در پی و سهمگین علیه حزب ما آغاز شد و هزاران تن از توده ایهای که همواره در عرصه های گونه گون پیشاپیش مبارزان و زحمتکشان قرار داشتند به سیاه چالها افکنده شدند، بسیاری از همین کسانی که امروز سروصدایشان درآمده و "جریانات و رویدادهای عجیب" را مورد اعتراض قرار می دهند، محافظه کارانه دم فرو بستند و حتی با سکوت جانبدارانه و با ملاحظه های پنهان و آشکار، یورش به حزب توده ایران را مورد تأیید قرار دادند. در حالی که ای بسا خود از این چهره ها خواستار تعقیب انقلاب، کوتاه کردن دست بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران از شریانهای اقتصادی کشور و تحقق خواستهای زحمتکشان بودند. آنچه که دشمنان طبقاتی زحمتکشان را در برابر حزب توده ایران قرار می داد و قرار می دهد جذابیت برنامه های حزب ما بود که به دلیل تطبیق با خواستهای محرومان جامعه مورد استقبال و پشتیبانی آنان قرار می گرفت. در آن شرایط حزب ما بارها و بارها دست یاری به سوی همه خواستاران تعقیب انقلاب در عرصه مبارزه ضد امپریالیستی، آزادیهای دموکراتیک و عدالت اجتماعی دراز کرد و از آنها دعوت کرد که در اتحاد و مشارکت با یکدیگر بار انقلاب را به منزل برسانند. حزب ما به کرات هشدار داد، آتشی که دامنگیر ما می شود دیر یا زود دامن همه نیروها را خواهد گرفت و یورش به حزب مادرواقع به معنی یورش به دستاوردهای انقلاب است. اما این هشدارها به نتیجه ای نرسید و انگار که همه مخاطبان ما پنبه در گوش خود کرده بودند.

اکنون که قریب سه سال از توطئه ناجوانردانه رژیم علیه حزب ما می گذرد، می بینیم که واقعیتها آشکارتر شده است. رژیم

ضدمردمی مطرح و برنامه ای که به نفع توده ها و علیه منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است، به بهانه "سوسیالیستی" بودن مورد تعرض قرار داده و می دهد. روزنامه اطلاعات در تأیید این واقعیتها، ضمن اشاره به روند تدریجی گرفتن همه چیز از "دست دولت"، سپردن کارخانه به کارخانه دار، زمین به زمین دار و سرمایه به سرمایه دار به بهانه گرفتن مالیات از بخش خصوصی، می نویسد: "زمان تدریجاً گذشت و موقع طرح مسئله مالیات رسید. چونان عرض شده بود که این موضوع هم عملاً به صورت یک موضوع شبه سوسیالیستی درآمده بود،" گفتیم این همه از بخش دولتی حرف نزنید! (۱) از تعاونی های مردمی حرف نزنید، اما بعد، جوسازیها کار را به آنجا رساند که کم کم واژه تعاونی هم مشکوک جلوه کرد و طرح تعاونی به معمولی ترین شکل آن نیز یک طرح سوسیالیستی قلمداد شد و دیگر جگر شهر می خواست که کسی از آن دفاع کند."

این روند خیانت به کجا می رسد؟ "اطلاعات" می نویسد:
"لحظه ای عمیق تر ببیندشیم، کلاه خود را قاشی کنیم و ببینیم که این همه چپ و راست زدن و عقب نشینی های کام به کام و اختلاف فکری در مورد اساسی ترین طرحها و برنامه ها، چقدر به انقلاب و کشور و به خود ما ضربه وارد کرده است. آیا کافی نیست؟ با این وصف جای تعجب نیست اگر می بینیم که سرمایه داران فراری کم و بیش بازگشته و ارث پدرشان را از انقلاب مطالبه می کنند. یکی از علل بازگشت آنان، همین ضعف ها و عقب نشینی های کام به کام بوده است. این ضعفها را بشناسیم و اگر شناخته ایم برای رفع آنها و برای تبدیل آنها به نقاط قوت تأکید و پافشاری می کنیم. وگرنه فردا و فرداها اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت رضاشاه ثانی! نیز برای دادگاه دادخواست فرستاده مطالبه اموال فرموده و با ارائه اسناد محکمه پسند مدعی خواهد شد که اموال شخصی خود را نه از راه حرام بلکه از عرق جبین و کدیمین به دست آورده اند و باید به حکم موازین، این اموال تفکیک شده و به حضرت ایشان مسترد گردد."

نویسنده "اطلاعات" خیلی دیر به فکر تأکید و پافشاری در "شناخت ضعفها"، "رفع" و تبدیل آنها به نقاط قوت" افتاده است. یورش به حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی که در چارچوب خیانت رژیم به منافع اکثریت مردم صورت گرفت همان نتایجی را در پی داشته و خواهد داشت که در سرمقاله "سیاست کام به کام" به گوشه ای از آن اشاره شده است. اینک برای کسانی که هنوز صادقانه موادار تعقیب انقلاب هستند، تنه راه گسستن از رژیم صف بندی و پیوستن به جبهه متحد نیروهای انقلابی برای سرنگونی رژیم ج.ا. است. راه دیگری نمی تواند وجود داشته باشد. باید به شکل سازمان یافته علیه رژیم پیکار کرد.

به مامی نویسند

وباد زابل

از اواخر سال پیش وباد زابل شیوع پیدا کرده و تلفاتی در پی داشته است. وزارت بهداشتی برای مبارزه با وباد بودجه خاصی در نظر نگرفته و مسئولینی که برای سرکشی به زابل آمدند گفته اند که هزینه جلوگیری از گسترش وباد و مداوای بیماران بایستی از محل بودجه سالانه بهداشتی این شهر تامین گردد. بهداشتی زابل از قبول بیماران در حال مرگ خودداری می کند و کسانی را که در روستاها جان می سپارند جزو آمار تلفات به شمار نمی آورد.

اخراج ۲۵ نفر کارگر و کارمند شرکت

فرش زابل

شرکت فرش زابل به دلیل کمبود بودجه ۲۵ نفر از کارگران و کارمندان خود را اخراج کرد. به برخی از اخراجی ها وعده داده شده که در صورت تامین بودجه به سرکار بازگردانده شوند.

فرمالیته طرح طبقه بندی مشاغل در

چیت به شهر

پایاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه چیت سازی به شهر، موجب تغییر محسوسی در سطح دستمزد کارگران نشده و به همین دلیل سبب اعتراض شدید آنها شده است. این اعتراضها جنبه دسته جمعی به خود گرفته و به صورت رفتن به اتاق مدیریت و طرح جمعی خواستها درآمده است. اکثر کارگران که به بعضی از آنها فقط ۱۱ ریال افزایش حقوق تعلق گرفته، پایاده شدن طرح را فرمالیته می دانند.

پایان دهه زن

بقیه از ص ۸

هیات، با برگزاری نایشگاه عکس، بخش کارت، پرورش و پژوهش های اطلاعاتی و شرکت در سمینارها و جلسات بحث، حمایت وسیع شرکت کنندگان در کنفرانس را نسبت به زنان ایران، زنان ژندانی سیاسی و جنبش توده ای ضد جنگ در ایران جلب نمود. سران ج.ا. نیز هیاتی به این کنفرانس اعزام داشتند. اعضای هیات دولتی در مقابل حیرت نمایندگان بیش از ۱۵۰ سازمان زنان از کشورهای مختلف جهان اعلام کردند که جمهوری اسلامی تنها سیستمی در جهان است که زنان در آن به کلیه حقوق نایل شده و هیچگونه مشکل و مسئله ای ندارند!

انگشای سیاست هیات اعزامی ج.ا. و نقش اعضای هیات در تصویب قوانین ظالمانه قرون وسطایی علیه زنان ایران یکی دیگر از اقدامات تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در کنفرانس بود.

در حاشیه رویدادها

بمیر اما اسد معبر مکن!

به گفته سرپرست "ستاد بسیج پیگیری رفع سد معبر"، این ستاد طبق "تبصره" یک ماده ۵۵ قانون شهرداری و فتوای حضرت امام ... به طور ضربتی با عوامل ایجاد سد معبر قاطعانه برخورد می کند" (اطلاعات ۱۶ مهر ۶۴).

کارگزاران رژیم در اجرای این فتوای "امام" و به اصطلاح "حامی مستضعفان جهان" هر روز به سراغ عده ای - که به علت بیکاری ناکریم به شغل کاذب روی آورده اند - می روند، آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و حتی از این کوچکترین مورد آمد محروم می کنند.

روزنامه اطلاعات وضع یکی از این قربانیان سیاست ضد مردمی ج.ا. را چنین توصیف می کند: "مرد، حدود ۴۵، ۵۰ سال داشت. ولی مثل بچه ها می گریست، رنگ به رخسار نداشت... دستاوش می لرزید... مرد آرام بغض را فروداد و بعد (گفت):... بابا کجا برم، می کن برودهات کارکن ا کدوم دهات؟ مگه زمین دارم که برم؟ با کدوم پول؟ صبح تا شب دلم به این خوش است که ۲۰، ۴۰ تا جوراب می فروشم و خرج زن و بچه را در می آورم، به همین هم راضی نیستم! آخه برم سرم رو بذارم و بمیرم...!"

این تنها یک نمونه از "حمایت از مستضعفان" است. کیهان در رابطه با همین موضوع می نویسد: "این روزها در گوشه و کنار شهر با صحنه های زجر آوری و ربو می شویم که دل هر فرد را بدرد می آورد" (کیهان ۱۷ مهر ۶۴).

بخش خصوصی و دانشگاه

رژیم ج.ا. در زمینه های گونه گونه نظام سرمایه داری آمریکایی، اروپایی و ژاپنی را الگو قرار می دهد. رفسنجانی در نماز جمعه با اشاره به ظرفیت محدود دانشگاه های دولتی برای پذیرش "حداقل سیصد هزار تن که شرایط و استعداد ادامه تحصیل در دانشگاه را دارند" تمایل خود را در زمینه گسترش فعالیت بخش خصوصی در عرصه آموزش دانشگاهی ابراز داشت. وی گفت: "در اروپا و آمریکا بیشتر دانشگاه ها در دست بخش خصوصی است". رفسنجانی "دانشگاه آزاد اسلامی" را نمونه ای از اینگونه "موسسات غیرانتفاعی" (۱)

دانست و نسبت به "موفقیت بیشتر آتی" آن اظهار امیدواری کرد.

بنابراین نوشته "اطلاعات" ۲۳ شهریور "وی در مورد کسانی که ممکن است پول پرداخت هزینه تحصیل در اینگونه موسسات را نداشته باشند گفت: با مقررات و تسهیلاتی که در نظر گرفته شده است، این امکان وجود دارد که دانشجویان مستعد و غیرمتمکن با موسسات و کارخانجات قرارداد ببندند تا دانشجوی پس از فراغت از تحصیل در آن موسسات یا کارخانجات مشغول شود. افراد خیر نیز در این زمینه می توانند به یاری دانشجویانی که مغزهای کشور هستند، بیایند."

به این می گویند راه حل اساسی ا به قول معروف: سنگ مفت و کنجشک مفت.

در رژیم ج.ا. تنها صاحبان زر و زور حرمت دارند.

روزنامه اطلاعات نامه ای چاپ کرده که در زیر بخشهایی از آن را نقل می کنیم:

"سال گذشته، گفته شد که توزیع برنج را به دست "مردم" می دهند و کیلویی ۲۴ تومان می فروشند، اکنون این قیمت به حداقل ۴۵ تومان رسیده است، یعنی سی درصد گرانی به نفع بخش خصوصی در کمتر از یک سال! (در حالیکه من مصرف کننده هفت سال است حقوقم تغییر نکرده است."

"اصولاً نمی دانم، این چه حرفی است که هر کس می خواهد از بخش خصوصی یاد کند، یک کلمه محترم به آن می چسباند. چطور من که سالهای سال تحصیل کرده ام و سالهای سال در گرمای دنجاه درجه ای خوزستان یک کار فنی پیچیده و دقیق را در پالایشگاه آبادان انجام داده ام و ثمره ی کار من و امثال من در آنجا، نان دادن به همه ی مردم ایران بوده است، محترم نیستم، اما یک دلال بی سواد و واسطه ی سرمایه داران غارتگر خارجی محترم است؟ مگر بعضی از همین آقایان "محترم" نیستند که وقتی به جرم گرانفروشی، مورد تعقیب قرار می گیرند، فوراً مجهول المکان می شوند؟ ما هر روز در روزنامه ها آگهی احضار می بینیم که بعضی از همین "محترم" ها در محل خود شناخته نمی شوند، مگر اینها کارت بازرگانی ندارند؟ اگر این قدر ناشناس و بدون آدرس هستند، چرا کارت آنها را باطل نمی شود؟ اصولاً جریمه کردن، یعنی چه؟ چرا محترم و گرانفروش باید محترم باشد، چرا یک جوان بیکار که از زور استیصال کیف کسی را در خیابان می رباید، فوراً به زندان می رود، اما کسی که میلیونها گرانفروشی می کند، جریمه میشود و فردا از جیب ما، آنرا جبران می کند؟"

"مگر گروهی از این بیست هزار یاد دوست هزار "تجار محترم" که خون "مردم واقعی" را در شیشه کرده اند، چه تافته ی جدا بافته ای هستند که حالا تمام مسئولان و غیرمسئولان سنگ آنها را به سینه می زنند و دم از "کار مردم را به مردم واگذار کردن" می زنند. ما که مردم واقعی و زحمتکش این مملکت هستیم ... از فقہائی که در مجلس خبرگان قانون اساسی را نوشته اند، می پرسیم که اگر به آنچه رای داده اید، اعتقاد داشتید، چرا اکنون ساکت نشسته اید، مگر توجه ندارید که بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران یعنی قانون اساسی، روز به روز به نفع فراری ها و فئودالها تضعیف می شود و مواد اصلی آن به فراموشی سپرده می شود، چرا از اعتقادات خود دفاع نمی کنید؟

یکی از اصول مذهب ما، عدل است. آیا شما ادعا دارید که عدالت اجتماعی در این کشور مراعات می شود؟ چه کسی جرات دارد چنین ادعائی داشته باشد؟"

"انقلاب اسلامی ایران برای این وقوع نیافته است که مردم تنها نماز بخوانند، نود درصد مردم ایران، نماز می خوانند. انقلاب اسلامی ایران، هدفهای مشخص ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استعماری داشته است." (اطلاعات ۲ مهر ۱۳۴۴).

سرمایه داران بزرگ که در رژیم ج.ا. از حرمت و ارج ویژه ای برخوردارند در نظر توده های زحمتکش میهن ما منفور هستند. کارگران، دهقانان و سایر اقشار و نیروهای مترقی ایران اجازه نخواهند داد رژیم ج.ا. پادفعا از منافع آزمندانانه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان آرمانهای انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷ را پایمال کنند.

وزیر کار از کدام "آرامش"...

دیگر نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی که در عرف رژیم "ولایت فقیه" با اصطلاح "گروهک های الحادی" مشخص می شوند، بمبارزه بر خیزند. در این عرصه نیز رسوائی برای رژیم خواهد ماند. زیرا اعضا و هواداران حزب ما با صداقت و ایمان برای سازماندهی طبقه کارگر و تحقق خواسته های صنفی و سیاسی آن مبارزه می کنند و از اعتماد توده های زحمتکش برخوردارند. راز شکست ناپذیری حزب ما در همین نکته نهفته است.

از آنجا که از دید سران رژیم "جنگ در رأس همه امور است"، وزیر کار در این مورد اظهار نظر می کند:

"مسائل رفاهی، ورزشی و اقتصادی و ایمانی کارگران و ترغیب آنها به حضور در جبهه ها از مسائل مهمی است که ما به آن فوق العاده توجه داشته ایم. ما همیشه این را بیان کرده ایم که مدیران و مسئولین موظف هستند که بردستهای کارگزارانی که به جبهه می روند بوسه بزنند و آنها را تشویق کنند." (کیهان ۶ شهریور ۶۴)

بنظر می رسد در کنار دروغوئی های بسیار، وزیر کار یک سخن راست نیز گفته که همانا تمایل جنون آمیز رژیم برای اعزام زحمتکشان به جبهه های بی بازگشت جنگ است. آنجا که طبقه کارگر برای احقاق حقوق صنفی و سیاسی خود به پا می خیزد پاسخ رژیم گلوله است و زندان و تیرباران ولی در منطق مزورانه رژیم "ولایت فقیه" آنجا که ادامه جنگ تنها به حساب زندگی زحمتکشان و فرزندانشان ممکن است می توان بر دستهای کارگران راهی جبهه بوسه ای نیز زد!

حنای این یاوه گوئی های سران رژیم دیگر در میان طبقه کارگر رنگی ندارد. زحمتکشان میهن ما با اتحاد و یگانگی صفوف خود، با ایجاد هسته های صنفی مخفی، با مبارزه برای ایجاد سازمان های صنفی مستقل کارگری همراه با همه نیروهای ملی و دمکراتیک برای استقرار دمکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال مبارزه می کنند. این مبارزه تا سرنگونی رژیم ج.ا. که سد راه هر تحول بنیادی بسود زحمتکشان است، ادامه خواهد داشت.

نگاهی به رویدادهای جهان

پیگیری و تداوم

رسانه‌های گروهی اتحادشوروی متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحادشوروی را منتشر ساختند.

در سامیر سال ۱۸۹۵ میلادی و. ای. لنین نخستین برنامه حزب را تنظیم کرد. اینک پس از گذشت تقریباً ۹۰ سال طرح متن جدید برنامه حزب به تصویب پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید و در معرض قضاوت عام قرار داده شد.

برنامه نخست حزب که در کنفرانس دوم (در سال ۱۹۰۲) به تصویب رسید سرکنونی تزارسم و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را به مثابه عامل عمده تجدید ساختمان سوسیالیستی جامعه هدف قرار داده بود. با انقلاب فوریه برنامه حداقل تحقق یافت. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به آماجهای اساسی برنامه حداکثر جامعه جامعه عمل پوشاند.

برای حل وظایف نوین نیاز به برنامه جدید بود. لنین بر رأس کمیسیونی این وظیفه خطیر را به عهده گرفت. در سال ۱۹۱۹ کنفرانس هشتم دومین برنامه حزب را به تصویب رساند. پس از تحقق آماجهای این برنامه، یعنی پیروزی کامل سوسیالیسم در اتحادشوروی، کنفرانس ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی برنامه سوم را تصویب کرد.

رفیق گورباچف به هنگام بحث پیرامون طرح متن جدید برنامه حزب از جمله اظهار داشت: "ما در عین غنی ساختن مضمون برنامه، در آن فرمولبندیها که از محک آزمایش زمان نگذشته تجدید نظری کنیم". ولی احکام اساسی نظری و سیاسی برنامه سوم در متن جدید نیز حفظ شده است، زیرا زندگی صحت مضمون اساسی آن‌ها را به ثبوت رسانده است.

پیگیری و تداوم در تئوری نیازمند رشد خلاق احکام اصولی در ارتباط با تجربه تاریخی است. اکنون کمونیست‌های شوروی تصور بهتر و دقیق تری از راه تکامل سوسیالیسم و دستیابی به کمونیسم دارند و این در سند عمده نظری و سیاسی حزب منعکس است.

طرح جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد بررسی میلیونها کمونیست و غیرحزبی در اتحاد شوروی قرار گرفته و متن نهایی آن با در نظر گرفتن پیشنهادهای زحمتکشان شوروی در کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب خواهد رسید. شرکت وسیع توده‌ها در بحث پیرامون طرح متن جدید برنامه امکان آنرا خواهد داد تا اراده، منافع و خواسته‌های همه اقشار مردم شوروی در آن انعکاس یابد.

بنام انسان و صلح

اعلامیه اجلاس سیاسی - شوروی کمیته دول اعضا پیمان ورشو که چندی پیش در صوفیه پایتخت بلغارستان انتشار یافت مورد بحث محافل صلح خواه جهان است. در اعلامیه گفته می‌شود: مهمترین مسئله معاصر عبارتست از قطع مسابقه تسلیحاتی و در درجه اول هسته‌ای و گذار به خلع سلاح عمومی.

کشورهای سوسیالیستی برآنند که اختلافات ایدئولوژیک نباید به مناسبات بین دول انتقال یابد. زیرا این عمل در آخرین تحلیل به ایجاد عدم ثبات در جهان منجر خواهد شد. اکنون، بیش از هر زمان دیگر همکاری متقابل همه دولت‌ها، کلیه نیروهای خواهان تثبیت وضع بین المللی ضرورت دارد.

رهبران دول سوسیالیستی معتقدند که ملاقات رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در سطح عالی باید به تخفیف وخامت خطرناک در جهان، تضعیف خطر برخورد نظامی و دستیابی به تفاهم متقابل در راه قطع مسابقه تسلیحاتی منجر گردد.

شرکت کنندگان در اجلاس به پیشنهادت سازنده و عملی اتحاد شوروی پیرامون جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی و نیز قطع آن در کره زمین حمایت کردند.

دول عضو پیمان ورشو خواهان حل قطعی بحران خاورمیانه، قطع جنگ ایران و عراق، پایان دادن به جنگ اعلام شده در افغانستان و... شدند.

کشورهای سوسیالیستی هیچ کسی را تهدید نمی‌کنند، در صدد دستیابی به برتری نظامی نیستند و خواهان توازن نیروها در سطح نازل آن هستند. درست به همین علت آنها می‌کوشند تا به وخامت وضع بین المللی پایان دهند و به اصل همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی گوناگون تحقق بخشند.

خرید و فروش برده در پاکستان

در پاکستان هنوز برده فروشی رواج دارد. چندی پیش پلیس "شهاداپور" دختر بچه سه و نیم ساله‌ای بنام بی نظیر را از چنگ برده فروشان ایالتی نجات داد. این دختر بچه که کم شده بود و بیش از دوماه پلیس در جستجوی او بود و اثری به دست نمی‌آورد، سرانجام در یکی از مراکز برده فروشان پیدا شد. پلیس با حمله به این مرکز، بی نظیر را نجات داد و سردهسته گروه بنام علی بخش را دستگیر کرد. وی اقرار کرد: من این بچه را از یک گروه برده فروش دیگر با پرداخت ۱۰۰۰ روپیه خریده‌ام. او همچنین گفت که برده فروشان پاکستانی کودکان را می‌دزدند و برای فروش از ایالتی به ایالت دیگر می‌برند.

پایان دهه زن

تابستان امسال "دهه زن" پایان یافت. به این مناسبت کنفرانس بین المللی در نایروبی پایتخت کشور کنیا برگزار شد.

اعلام دهه ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ بعنوان "دهه زن" به ابتکار و تصویب سی امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفت. قبل از آن سازمان ملل سال ۱۹۷۵ را "سال زن" اعلام کرده بود.

مبارزه زنان در راه کسب حقوق مساوی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و قضایی، مبارزه ایست دشوار و مستلزم آگاهی و تشکل و پیگیری و کوشش خستگی ناپذیر. هدف از اعلام "سال زن" و "دهه زن" تشدید و تقویب مبارزه زنان سراسر جهان و رفع عوامل بازدارنده این پیکار حق طلبانه است. فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان و سازمانهای عضو سازماندهی کار و تدارک جلسات مقدماتی و همچنین کنفرانس پایانی دهه زن نقش برجسته‌ای ایفاء نمودند.

آخرین کمیته مقدماتی کنفرانس، در ماه مارس سال جاری در وین تشکیل گردید. جلسات این گروه آبی، همچون جلسات گذشته، عرصه نبرد واقعی سیاسی بین نمایندگان دولتی کشورهای غربی و دولتهای دست نشانده و ارتجاعی اوکسو و نمایندگان سازمانهای زنان او کشورهای سوسیالیستی و مترقی و سازمانهای انقلابی غیردولتی او سوی دیگر بود.

پیشنهاد طرح مسایل عمده زنان در کشورهای تحت ستم با مخالفت صریح نیروهای ارتجاعی مواجه گشت. هیات اعزامی ایالات متحده به ریاست م. ریگان دختر رئیس جمهور آمریکا و نیز هیات ج.ا. در این زمینه فعال بودند.

علیرغم کارشکنی و خرابکاری آنان، سازمانهای مترقی موفق شدند مسایل حادی چون مسئله زنان فلسطین، زنان لبنان و کشورهای آمریکای لاتین را در دستور کار کنفرانس قرار دهند.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به نمایندگی او زنان میهن ما در این کنفرانس معتبر جهانی شرکت کرد. هیات اعزامی تشکیلات زنان ضمن تشریح وضع دشوار زنان ایرانی و تبعیض کاملی که قشریون ج.ا. بر آنان تحمیل کرده‌اند، جریان مبارزات زنان کشور ما را به اطلاع نمایندگان زنان سراسر جهان رساندند.

بقیه در ص ۶

کمکهای مالی رسیده

یانوش ۶۰۰ مارک

NAMEH
MARDOM
No.: 75

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

7 November 1985

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!